

مراومه

نهضت آینده افغانستان

اول - دياچه

۱-: پيشينه چپ سنتي در افغانستان:

درست يك قرن از اساسگذاري نخستين سازمان مشروطه خواه در افغانستان ميگذرد. آن سازمان با درنظرداشت اوضاع عيني جامعه، اصول مرايمي را براي خويش تدوين كرد كه ختم نظام خودكامه شاهي مطلقه و استرداد استقلال کشور را هدف بنيادي خود قرار داده بود. آن نخستين خيزش منسجم روشنفكران افغان با بيرحمي از سوي حكام جابر به خون كشانده شد. از آن تجربه تلخ به بعد روشنفكران آگاه و مترقي افغان مطالبات برحق توده هاي مردم را كه در فقر، بيسوادي و در بند مناسبات فرتوت قرون وسطايي نگهداشته شده بودند، پيوسته تبارز دادند و دست به ايجاد سازمانهاي تحول طلبی زدند كه بيرون كردن جامعه افغاني را از ظلمتسرای تاريخ در محراق مبارزه خود قرار داده بودند. مشروطيت دوم، جوانان افغان، حزب آزاديخواهان، وپس خلمبان، جمعيت وطن، ندای خلق، اتحاديۀ محصلان و دهها تلاش سازنده ديگر براي هميشه در سرگذشت دادخواهانۀ خلق افغان ثبت اند.

چهاردهه پيش، جنبشهاي چپ بنيادي افغانستان، به ويژه جريان دموكراتيك خلق و جريان دموكراتيك نوين براي بار نخست مسایل بنيادي عقبماني جامعه افغاني را از ديدگاه جامعه شناسي علمي مطرح كردند. انقلابيون آن روزگار با تكيه بر بينش ايديالوژی رسمي طبقه كارگر - هر دو خط: (خط شوروي و خط چين) - تضادهای اساسی زنده گی اجتماعي را نشان دادند و دگرگوني انقلابي جامعه را به حيث وظيفه تاريخي

خود مطرح کردند. در کُلّیت، طرحی از سوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای تحقق این دگرگونی انقلابی شکل گرفت که منطبق به رهنمودهای قدیم انترناسیونال سوم و تحلیلهای کنفرانسهای احزاب کمونیستی و کارگری جهان در زمینه به سررسانی انقلاب ملی دموکراتیک از طریق ایجاد جبهه گسترده نیروهای انقلابی و ملی و گزینش راه رشد غیرسرمایه داری بود. چنین جبهه یی در افغانستان شکل نگرفت. تنها یک بار، در هنگام سیادت موناشری داود، زمینه عینی آن تبارز یافت ولی شرایط مطروحه برای چنان همایشی برای هیچ کدام از جوانب دخیل، قابل پذیرش نبود.

در آستانه تکوین حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در جامعه افغانی، شیوه های تولید ماقبل فیودالی و فیودالی در فورم افغانیش حاکم بود. مناسبات اجتماعی- اقتصادی مبتنی بر این شیوه ها، در پیوند با ایدیالوژی حاکم قرون وسطایی، جامعه افغانی را در شمار عقبمانده ترین جوامع آن روزگار قرار داده بودند. میزان رشد صنایع دولتی و خصوصی تا آن حد نرسیده بود که زمینه تشکل طبقه کارگر را فراهم سازد. وجود طبقه کارگر، بورژوازی ملی و بورژوازی وابسته (در پیوند با منافع امپریالیزم) همه ساخته های ذهنی افغانستانشناسان شوروی و تفکر حاکم در رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود تا از این طریق توجیههای بایسته عینی را برای تیوری راه رشد غیرسرمایه داری در دست داشته باشند. در واقع رابطه تیوری با واقعیت از همین بنیاد باژگون شد. تیوری دیگر پیش شناس واقعیت نبود، بل واقعیت مسخ گردیده بود تا با تیوری انطباق یابد.

ح. د. خ. ا. از کنگره نخست (اول جنوری ۱۹۶۵ م.) تا «هفتم ثور ۱۳۵۷ خ.»، در بسا گستره های زنده گی اجتماعی افغانستان به حیث یک سازمان پیشگام و دگرگونساز تبارز کرد. نمایانند فقر، بیعدالتی و عقبمانی وحشتناک جامعه افغانی، افشای گسترده مناسبات خانسالاری و بهره کشی بیرحمانه از دهقانان و دیگر زحمتکشان، ترویج شیوه های جدید مبارزه اندیشه یی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مطرح کردن جایگاه شایسته زن در زنده گی اجتماعی، مبارزه در راه دموکراسی واقعی و آزادی بیان، پیش کشیدن شعار برادری خلقها و ملیتهای ساکن در افغانستان و مطرح کردن راه حل عادلانه مسأله ملی، نمونه های بارز کار بزرگ تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اند. نبود پیوندهای ارگانیک طبقاتی و ویژه گی ساختار درونی، کلید درک کاستیهای سرشتی زنده گی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از جمله مرکزیت مطلق، فقدان دموکراسی درون حزبی، فرکسیونبازی، جناحگرایی، سمتگرایی، زبانگرایی، ملیتگرایی، بی توجهی به پژوهشهای علمی خودی در عرصه های اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، تکیه یک جانبه به آثار بیرونی (شوری و حزب توده) و غیره را به دست میدهند.

جنبش چپ، رهایی زنان افغانستان را از بند مناسبات ظالمانه فیودالی-مردسالاری به حیث یک مسأله مرکزی تحول بنیادی جامعه افغانی مطرح کرد. سازمانهای ممثل مطالبات زنان افغان، از جمله سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در تشکل زنان پیشگام کشور برای سهمگیری در زنده گی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نقش گرانبهایی را بازی کردند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس احراز انحصاری قدرت سیاسی، در دستگاه دولت مستحیل گردید که در نتیجه «حزب- دولت دموکراتیک افغانستان» به حیث یک ساختار ناشناخته در تاریخ افغانستان عرض وجود کرد (فروپاشی این ساختار همزمان پایان وجود فورمالیستی آن حزب بود).

عملکرد میکانیزم قدرت در جامعه افغانی، تا حاکم شدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان، متشکل از دو عنصر بود: ۱- قدرت اطرافی، (در اختیار فیودالها، سران قبایل و عاملان سنتی ایدیالوژی حاکم) و ۲- قدرت مرکزی (در اختیار اشرافیت و بیروکراسی وابسته به آن).

با انتقال قدرت مرکزی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان، قدرت اطرافی پیوستگاه مرکزی خود را از دست داد. امپریالیزم و قدرتهای محافظه کار منطقه- که از یک دهه پیشتر جداً ناظر حوادث افغانستان بودند- رویداد ثور را تکاندنده ترین حادثه در برچیده شدن منافع استراتیژیک شان در منطقه پنداشتند و خواستند تا قدرت اطرافی را به یک اپوزیسیون سازمانیافته نظامی- سیاسی- مذهبی در برابر قدرت جدید مرکزی- که دیگر محمل منافع و نفوذ اتحادشوروی تلقی میگردید- مبدل سازند. بدین گونه یک مقاومت مسلحانه ارتجاعی ضد ثور به نام جهاد زیر شعارهای عوامفربانه دفاع از دین، وطن و عنعنه های افغانی عرض وجود کرد. جهاد سازمان داده شده از بیرون، محل تجمع اکثریت قاطع نیروهای ارتجاع افغانی و برخی از گروههای وابسته به دموکراسی نوین

گردید و به حیث میانجی مداخله های مستقیم ارتجاع منطقه، ارتجاع عرب و امپریالیزم جهانی تبارز کرد.

با ورود قوای شوروی به افغانستان، تضادهای داخلی ابعاد عظیم جهانی کسب کردند. جنگ تحمیلی ویرانگر و مداخله های ابرقدرتها در امور کشور، انحرافها و اشتباههای جبران ناپذیر رهبری حزب- دولت، زمینه های تحقق برنامه مترقی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را برچیدند. حزب- دولت دموکراتیک با توافق اکثریت رهبران آن به عامل سیاستهای شوروی مبدل شد و هویت ملی و مستقل دولت افغانستان زایل گردید. حزب- دولت دموکراتیک پس از قریب چهارسال پایداری مستقلانه در برابر تهاجم جهاد- امپریالیزم و ارتجاع منطقه (به ویژه پاکستان، کشورهای عربی و ایران)، پیوستن معامله گرانه بخشهایی از رهبران و کادرهای آن به سازمانهای جهادی و فعالیت تخریبکارانه عمال گماشته شده از سوی جهاد- امپریالیزم، از هم فروپاشید و دوره اول انارشی مجاهدین در ثور ثانی آغاز یافت. در نتیجه، دریچه یی که میشد از طریق آن مناسبات عقبمانده و قرون وسطایی اجتماعی- اقتصادی را به سود رهایی انسان زحمتکش و ترقی اجتماعی دگرگون ساخت، برای دیرزمانی مسدود شد. حاکمیت جهادی و از پی آن سیادت اولیگارشسی طالبی، دوران سیاهی برای مردم افغانستان و جنبش چپ افغانی محسوب میگردد.

۲- نوسازی جنبش چپ افغانی:

نهضت آینده افغانستان به تاریخ ۲۶ حمل ۱۳۷۹خ. (۱۵ اپریل ۲۰۰۰م.) در شرایطی اساس گذاشته شد که جنبش دموکراتیک کشور با شکست تلخ سیاسی مواجه گردیده بود و در مقیاس جهانی، «اردوگاه سوسیالیزم دولتی» و جنبش جهانی کارگری مواضع شان را از دست داده بودند. در آن هنگام سیادت مطلق «اولیگارشسی طالبی» بر کشور حکمفرما بود.

نهضت آینده افغانستان در آن وضعیت، اهداف و وظایف عام دموکراتیک را برای از سرگیری مبارزه دادخواهانه، در برابر خود قرار داد و مبارزان چپ و دموکرات افغانی را جهت ایجاد یک تشکل گسترده سیاسی- اجتماعی- فرهنگی برای مقاومت در برابر

خودکامه گی عقبگردانه ارتجاع بنیادی فراخواند. نهضت آینده افغانستان با پیش کشیدن شعار معروف «از سرگیری مبارزه دادخواهانه و دموکراتیک»، یک دهه سکوت جنبش چپ افغانی را در هم شکست و برپایی نیروی مترقی جدیدی را بشارت داد. این نیروی جدید با جسارت به تحلیل گذشته جنبش پرداخت، دستاوردها را برشمرد، بر کاستیها انگشت انتقاد گذاشت. آینده را نی به حیث یک آرمان تخیلی - که گویا با «سپیده دم انقلاب» آغاز خواهد شد و یکسره و ناگزیر به جامعه بدون طبقات و فارغ از بهره کشی خواهد رساند - بل به حیث یک «واقعیت در حال شدن»، یک پروژه بنیافته بر امروز جامعه تلقی کرد. نهضت آینده افغانستان جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی را به حیث یک «امکان تاریخی» مطرح کرد؛ امکانی که تنها در صورت اشتراک آگاهانه گسترده ترین اقشار و طبقات مظلوم و زحمتکش در روندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اندیشه یی - فرهنگی، تحقق پذیر است.

نهضت آینده افغانستان، چسپیدن دگماتیک به ایدیالوژیها را از بنیاد مورد نقد قرار داد و «نوسازی اندیشه یی» را به حیث پیشزمینه نوسازی سیاسی و سازمانی جنبش دموکراتیک مطرح کرد.

نهضت آینده افغانستان در جریان هفتسال فعالیت اندیشه یی خود - به ویژه با انتشار نشریه «آینده» و گشایش سایت انترنیتی - توانست فضای جدیدی را برای فعالیتهاى اندیشه یی، سیاسی و فرهنگی در درون جنبش چپ و مترقی کشور به وجود آورد. نهضت آینده در فرایند هفتسال تلاش و مبارزه پیگیر، توانمندی خود را برای نوسازی کل جنبش دگرگونساز اجتماعی - سیاسی افغانستان ثابت ساخت و اینک وظایف خود را در پیوند با واقعیتهاى امروزی افغانستان و جهان تعیین میدارد.

در وضعیت کنونی، در داخل حرکت عمومی دموکراتیک و مترقی افغانی، مرزبندیهای جدیدی در حال تکوین اند. نهضت آینده افغانستان تلاش میورزد تا نیروی چپ کشور را تقویت و بسیج کند، ظرفیت رهبری آن را در جامعه تحکیم بخشد و صفوف گسترده مبارزان دادخواه و دموکرات را در خود متشکل سازد.

تحقق یک الترناتیف دموکراتیک یگانه راه برونرفت از وضعیت فاجعه بار کنونی کشور است، ولی اشغال وضعیت سیاسی توسط ارتجاع قرون وسطایی و ارتجاع نوین (در حاکمیت و در اپوزیسیون) روند پیروزی این الترناتیف را کند ساخته است. بر بنیاد

همین واقعیت است که نهضت آینده افغانستان در راه تبارز مستقلانه جنبش دموکراتیک دگرگونسازی در وضعیت سیاسی تلاش میوزد تا شرایط بایسته ذهنی را از طریق پاگیری یک سازمان بزرگ متعلق به اقشار زحمتکش جامعه، به وجود آورد. نهضت در هر حرکتی که به نفع انسان مظلوم و زحمتکش جامعه، تقویت نیروهای چپ و دموکراتیک، استقرار دموکراسی واقعی، تأمین و تحکیم استقلال و حاکمیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد با احساس مسؤولیت و پیگیری شرکت خواهد کرد.

نهضت آینده افغانستان وضع فاجعه بار امروزی زنده گی ملیونها افغان فقرزده را اهانت به جایگاه والای «انسان» و «انسانیت» پنداشته، با جسارت برای برونرفت از این وضع وارد عمل سیاسی میگردد.

اهداف و وظایفی که در این مرامنامه تبلور یافته اند، چشم انداز جدیدی را در برابر نیروهای مترقی و عناصر آگاه افغانی جهت همسوسازی پیکارشان در یک سازمان دگرگونسازی، میکشایند و زمینه گسترش سازمانی نهضت را فراهم میسازند. سهمگیری در امر تحقق این اهداف، وظیفه هر مبارز آگاه و صدیق راه آرمانهای توده های زحمتکش افغانستان است.

دوم- اوضاع کنونی

۱: در سطح کشور

الف- وضعیت سیاسی- امنیتی:

کشور را بحرانی مزمن و همه جانبه فراگرفته است. وضع سیاسی- امنیتی کشور روز تا روز بدتر میشود، جنگ و ناامنی در بسیاری از مناطق کشور به خصوص در شرق و جنوب ابعاد گسترده تری کسب میکند. نیروهای طالبی در اثر مداخله های دوامدار از خارج- به خصوص پاکستان-، ناکارایی اداره دولت و نبود سیاست روشن و شفاف نیروهای خارجی مستقر در کشور، از توانمندی جنگی- تبلیغاتی بهتری بهره مند میشوند.

در درون حاکمیت، مبارزه برای کسب سود و قدرت بیشتر بین جناح‌های مختلف حاکم تشدید می‌یابد و این امر موجب گسترش بی‌ثباتی بیشتر می‌شود. اعمال خشونت‌بار نیروهای خارجی به نارضایتی مردم، تشدید بحران و گسترش بی‌ثباتی می‌افزاید. ضعف و ناکارایی دولت مرکزی باعث گردیده تا محلات کشور همچنان جولانگاه قدرت بلامنازع بازمانده‌های تنظیم‌های جهادی و زورمندان محلی باقی بماند.

در نتیجه جنگ و تبعات ناشی از آن در سه دهه اخیر ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور دچار دگرگونی شده است. در کنار ارتجاع سنتی قشر ناهمگون نوحاسته‌ی مرکب از فرماندهان تنظیم‌های جهادی، مافیای موادمخدر، انجوها و بیروکراتهای وابسته در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی کشور ظهور کرده است. این قشر همزمان با غصب و تصاحب قسمت اعظم ثروت جامعه، حاکمیت سیاسی دولتی را نیز به طور عمده در اختیار دارد.

ماشین دولتی بیش از پیش به ابزار سرکوب و آزار مردم، پاسداری قدرت و منافع ثروتمندان بزرگ، فرماندهان تنظیم‌های جهادی، مافیای موادمخدر، انجوها و ارتجاع حاکم به ضرر منافع توده‌های زحمتکش مبدل شده و مانع توسعه و بازسازی، رشد سریع نیروهای مولده و تحقق آزادی‌های دموکراتیک مردم می‌گردد.

ملی‌شاهای مسلح هنوز هم در کشور حضور فعال داشته و ستم طاقت‌فرسایی را بالای توده‌های مردم اعمال می‌کنند. هم‌اکنون ده‌هزار میل سلاح و مقادیر زیادی مهمات جنگی به صورت غیرقانونی در اختیار باندهای مسلح سابق قرار دارد.

کشتزارهای ماین پاکسازی نگردیده‌اند. این امر باعث تلفات جانی و محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی گردیده است.

علی‌رغم هزینه‌های فراوان، اردو و پلیس به صورتی که جوابگوی نیازهای امنیتی-نظامی موجود کشور باشند شکل نگرفته و جا نیفتاده‌اند. در صفوف نیروهای انتظامی و نظامی کشور عمدتاً آن افراد تنظیم‌های جهادی سابق شامل می‌باشند که بیش از مصالح امنیتی-نظامی کشور به تعلقات تنظیمی و پیوندهای تباری خویش وفادار‌اند. در بسیاری موارد آن‌ها پیش از این که حافظ و تأمین‌کننده نظم باشند خود باعث بی‌امنیتی و برهم زدن نظم می‌گردند. علی‌رغم کمک‌های صدها میلیونی، اردو و پلیس کشور در سطح نازل تجهیزات نظامی، کارایی، مورال جنگی و کمبود پرسونل مسلکی قرار دارند. در تقرر و جا به جایی کادرهای مسلکی از تعصب کار گرفته می‌شود. همین‌اکنون

هزارها تن از افسران باتجربه و مسلکی وطنپرست اردوی سابق در حالت بی سرنوشتی قرار داده شده اند.

حضور نیروهای خارجی باعث تضعیف حاکمیت ملی کشور گردیده، مداخله های بیرونی، و تمایلات جدایی طلبی گروههای معین، تمامیت ارضی کشور را بیش از پیش آسیب پذیر کرده است.

عدم وجود یک الترناتیف دموکراتیک و موجودیت انبوه سلاحهای کشنده در دست نیروهای عقبگرا و برخورداری آن ها از حمایت بیرونی و امکانهای مالی سرشار، به خصوص عواید ناشی از موادمخدر و غیره موجب گردیده تا وضع سیاسی دربست در اختیار ارتجاع قرارداشته باشد.

جنبش دموکراتیک چپ کشور در کنار سایر عوامل، از جمله پراگنده گی اندیشه یی و تشکیلاتی، در وضعیت سیاسی جاری کشور حضور ندارند. از این رو تحولاتی که در عرصه سیاسی کشور روی میدهند خارج از اراده و نفوذ آن خواهد بود.

دامنه بحران روز تا روز فزاینده می‌رود و چشم انداز امید بخشی برای پایان جنگ، تأمین نظم و ثبات دائمی، استقرار صلح پایدار، رشد مستمر اقتصادی و ارتقای سطح زنده گی زحمتکشان کشور در چوکات مناسبات حاکم کنونی به نظر نمی‌رسد.

ب- وضعیت اقتصادی:

فقر کشنده گلوی اکثریت مردم کشور را می‌فشارد و فاصله بین ثروتهای افسانه یی یک اقلیت ناچیز و فقر جانکاه اکثریت مطلق توده های مردم پهنا و ژرفای بیشتر کسب مینماید.

بیشتر از هشتاد درصد نفوس کشور با عاید کمتر از یک دالر در روز زیر خط فقر زنده گی میکنند. از لحاظ وضعیت معیشتی سه چهارم روستاییان جامعه افغانی در فقر مطلق و کشنده قرار دارند.

آهنگ رشد اقتصادی کشور در سطح نازل قرار دارد. در وضعیت کنونی که تعداد قابل ملاحظه یی از نیروهای مساعد به کار، قربانی جنگ و بی امنیتی گردیده، از روند تولید خارج میشوند و بخش بزرگی از دارایی و ثروتهای ملی تخریب و غارت میگردد، تحقق

آن چنان میزان رشد اقتصادی که جوابگوی نیازمندیهای کشور، رفع عقبمانده گی دیرین و بهبود زنده گی زحمتکشان باشد در چوکات مناسبات مسلط کنونی مقدور نیست.

بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول، عاید سرانه ملی کشور به ۳۵۵ دالر در سال ۲۰۰۶م. رسیده، این رقم به هیچ صورت بازگوکننده عاید حقیقی سرانه ملی کشور نیست. اگر این رقم هم قابل پذیرش قرار گیرد باز هم افغانستان در جدول عقب نگهداشته شده ترین کشورها از نگاه عاید سرانه ملی خود قرار دارد.

نی تنها در جهت رفع خسارات ناشی از سه دهه جنگ - صرف نظر از بعضی اقدامهای نمایشی - فعالیتهای مؤثر صورت نگرفته بل که هیچ برنامه جامع کثیرالجوانب و هماهنگ برای بازسازی کشور مطرح نشده است.

میلیاردها دالر پولی که به نام کمک به افغانستان سرازیر شده اثر ملموسی بر زنده گی زحمتکشان نداشته و حیف و میل گردیده است. انجوها که به حیث ابزار اجرایی و ایدیالوژیک بازار آزاد عمل میکنند قسمت اعظم این کمکها را غارت مینمایند.

افغانستان به سرعت به سوی نوعی نظام بازار آزاد لجام گسیخته رانده میشود که پیامدهای ویرانگر آن را هم اکنون میتوان در اقتصاد ملی کشور و زنده گی توده های زحمتکش آشکارا مشاهده کرد.

دنباله روی از مدلهای وارداتی نظام بازار آزاد باعث سقوط فعالیتهای تولیدی کشور و تبدیل افغانستان به یک دهکده مصرفی گردیده است.

با آنکه تعدادی از کارخانه های تولیدی در شهر کابل و سایر شهرها فعال گردیده اند، ولی اثر اجرای سیاستهای اقتصادی توصیه شده از جانب سازمانها و نهادهای مالی و تجارتي جهانی، تعداد قابل ملاحظه یی از مؤسسات تولیدی غیرفعال و تعدادی هم در آستانه سقوط قرار داده شده اند.

نشانه های بارز ورشکسته گی در صنایع جوان و نوبنیاد کشور به چشم میخورد، روزی نیست که شماری از کارگران مؤسسات صنعتی جای کار خود را از دست ندهند.

تعقیب سیاست غیرمتوازن و یک جانبه اقتصادی دولت به نفع بورژوازی دلال و گسترش فعالیتهای قشر کمپرادور به ویژه در عرصه واردات کالاهای مشابه تولیدات داخلی،

سودمندی ایجاد صنایع داخلی افغانی را زیر سوال برده و امکان سرمایه گذاری در این عرصه را محدود ساخته است.

سیاست پولی دولت، فرار سرمایه از داخل را رسمیت بخشیده، روند انباشت سرمایه را کند ساخته و به سرمایه گذاری ضربه وارد نموده است. اداره دولتی قادر به آن نیست تا سیاست مؤثر اسعاری را به هدف ایجاد و تحکیم اقتصاد ملی و انکشاف اقتصادی کشور تدوین و عملی نماید.

اقتصاد کشور به اقتصاد کاملاً مصرفی تبدیل گردیده، سیمای بیلانس تجارت خارجی کشور در واقع بازتابنده فاجعه اقتصادیست.

بخش بزرگ سرمایه گذاری در عرصه های غیرضروری و تجملی، به ویژه ساختمانهای غیرضروری، متمرکز گردیده و در نتیجه مردم بیش از پیش از دسترسی به نیازهای اولیه زنده گی محروم گردیده اند.

سطح قیم کالاها مورد نیاز عامه در بازارهای داخلی بیش از پنجاه درصد و در برخی موارد تا صد درصد طی سه سال اخیر افزایش یافته است.

فساد اقتصادی- اداری تمام نهادهای اداره دولت را فراگرفته و به سرعت در بین سازمانها و مؤسسات غیردولتی گسترش یافته و به مانع اساسی در برابر بازسازی و توسعه اقتصادی تبدیل گردیده است.

رشوه و اختلاس در ادارات دولت به شیوه معمول حکومتداری تبدیل شده و بار گرانی را بر شانه های ناتوان مردم تحمیل نموده است.

معادن قابل استفاده کشور عمدتاً در اختیار زورمندان و حکمرانان محلی قرار دارد و به منبع درآمد آن ها تبدیل گردیده اند. در حال حاضر دولت بر اکثر منابع اقتصادی کشور دسترسی ندارد.

میزان بیکاری در کشور سرسام آور است؛ هم اکنون بیشتر از پنجاه درصد از افراد مستعد به کار بیکار اند و گروههای بزرگی از آن ها برای جستجوی کار به کشورهای همسایه میروند.

وضع زراعت در کشور بدتر از هر زمان دیگر است. بنابر بد امنی، عدم دسترسی به آب و خدمات زراعتی از جمله بیش از ۹،۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت کمتر از ۴ میلیون هکتار زمین تحت زرع قرار میگیرند.

این سکتور در اثر سه دهه جنگ شدیداً صدمه دیده، زیر ساختهای اقتصادی، شبکه های آبیاری، جنگلها و علفچرها تخریب شده، ظرفیت تولیدی سکتور زراعت و مالداري به طور قابل ملاحظه تقلیل یافته است و ضرورت برای واردات مواد غذایی روز تا روز بیشتر میگردد. قابلیت کاری دولت برای عرضه خدمات زراعتی مؤثر و کافی، بینهایت تضعیف گردیده است.

مالکیت سنتی بر زمین دچار دگرگونی شده، غصب زمینهای دولتی و ملکیتهای عام المنفعه به وسیله زورمندان، قوناندانهای تنظیمهای جهادی و تفنگداران ادامه دارد. اقتصاد مبتنی بر تریاک در کشور به مرز بیسابقه یی رسیده است. اقتصاد موادمخدر در تمام عرصه های زنده گی اقتصادی- اجتماعی کشور ریشه دوانیده است.

ج- وضعیت اجتماعی:

فرایند وضع سیاسی، امنیتی، اقتصادی بر وضع اجتماعی کشور اثرات بسیار ناگواری به جا گذاشته است.

افغانستان از نظر مرگ و میر بدترین وضعیت را در جهان دارد؛ روزانه هزاران کودک به علت ابتلا به بیماریهای مختلف جان میدهند.

وضع خدمات صحتی در کشور بسیار دردناک است. کنار رفتن دولت از تأمین خدمات صحتی رایگان برای مردم و سپردن آن به بخش خصوصی، کمبود پرسونل صحتی، بیمارستان و دارو باعث افزایش مرگ و میر در بین اقشار زحمتکش و کم درآمد کشور گردیده است.

وضع آموزش در کشور علی رغم گامهایی که طی سالهای اخیر در این عرصه برداشته شده هنوز بسیار اسفبار است.

بیشتر از دومیون شاگرد در خیمه ها و یا هوای آزاد درس میخوانند؛ معاش ماهوار یک معلم از ۳۸ دالر امریکایی تجاوز نمینماید!

کمبود و گرانی مسکن یکی از عمده ترین پرابلمهای کشور را تشکیل میدهد. همین اکنون دهها هزار خانواده زحمتکش کشور در حاشیه شهرها در خیمه ها و بیغوله ها زنده

گی میکنند. دولت از پرداختن به معضل حاد سرپناه ابا میوزد، زورمندان سودجو با غصب زمینهای دولتی به اعمار قصرهای مجلل میپردازند.

زنان از حقوق و آزادیهای شایسته خویش بی بهره اند و گام چشمگیری در راه بهبود وضع زنده گی آنان از جمله مسأله تسجیل برابری حقوقی آن با مردان، لغو ازدواج اجباری، آزادی اختیار شغل و حرفه، آزادی انتخاب شکل لباس، آزادی حق مسافرت، آزادی انتخاب همسر و غیره- نی از طریق وضع قوانین و نی از طریق گامهای اجرایی برداشته نشده است.

کودکان محرومترین قشر جامعه افغانی را تشکیل میدهند. اکثریت مطلق آنان از بدیهی ترین حقوق و امتیازات مانند صحت، آموزش و غیره محروم اند. صدها هزار کودک خوردسال کشور به انجام کارهای شاقه محکوم اند و یا برای کمک به خانواده های فقیر شان به کارهای مزدوری و طاقتفرسا میپردازند. استفاده جنسی از کودکان، اعتیاد و جذب کودکان در باندهای موادمخدر به یک پدیده معمول در کشور تبدیل گردیده است. جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار فرودست جامعه، یکی از لایه های وسیع اجتماعیست که به شدت آسیب میبینند. این نیروی عظیم اجتماعی با قیمت ارزان در جنگهای جاری مورد استفاده قرار میگیرند و از عرصه زنده گی ساقط میگردند. جوانان در بی سرنوشتی به سر میبرند. اکثریت بزرگ جوانان کشور از کار، تحصیل، تفریح، ورزش و دیگر حقوق و امتیازات بدیهی محروم اند.

اعتیاد به موادمخدر به یکی از وحشتناکترین معضله های اجتماعی افغانستان مبدل شده است، هر روزه به تعداد معتادان در بین جوانان، مردان، زنان و حتی کودکان کشور افزوده میشود.

بیجا شده گان جنگهای داخلی و کوچیهای بی بضاعت و فقیر کشور بین مرگ و زنده گی قرار دارند. وضع دهشتبار عودت کننده گان به ویژه خانواده هایی که از اثر فشار دول میزبان مجبور به برگشت به وطن گردیده اند تکان دهنده است. آن ها از ابتدایی ترین تأمینات ضروری اجتماعی بی بهره اند. معلولان و معیوبان کشور در فقر و بیچاره گی به سر میبرند. روزی نیست که صدای اعتراض آن ها بلند نگردد.

۲: در سطح جهان و منطقه

بشر در چرخشگاه عظیم تاریخ خود قرار دارد. رشد سرسام آور نیروهای مولد که نتیجه انقلاب تکنالوژیک سرمایه داریست، از یک سو چشم اندازهای فراخی را برای حل مسایل بشریت باز کرده است و از سوی دیگر انسان را بیشتر از پیش تحت تسلط منطق تراکم سرمایه و افزایش سود قرار داده است.

کاربرد علوم و تکنالوژی پیشرفته در عرصه تولید در کشورهای بزرگ صنعتی سرمایه داری دو پیامد متضاد را در قبال دارد: از یک جانب بارآوری تولید را ارتقا بخشیده باعث ازدیاد ارزش اضافی میگردد و از این طریق به انباشت بیشتر سرمایه یاری میرساند و از جانب دیگر بخشهای بزرگ کار زنده را از عرصه تولید برون کرده باعث بیکاری کتله های بزرگ کارگران کشورهای مرکزی سرمایه داری میشود. همزمان با انقلاب تکنالوژیک، سرمایه داری به انبساط خود در سراسر کره خاکی میپردازد تا بازارهای جدیدی را برای مصرف مازاد تولید مراکز خود دست و پا کند.

انباشت سرمایه و ازدیاد تولید در نظام سرمایه داری با پدیده دیگری نیز همروند است که آن را امپریالیزم مینامند. امپریالیزم یعنی حکومت بر سراسر جهان! نیو امپریالیزم، بُعد سیاسی - نظامی جهانی شدن سرمایه داریست!

جهانی شدن سرمایه داری و همزاد آن نیو امپریالیزم مشخصه اساسی دوران ماست. ویژه گیهای جهانی شدن سرمایه داری و نیو امپریالیزم از این قرار اند:

- جنگ وحشیانه اقتصادی بین شرکتهای سرمایه داری که باعث ورشکسته گی بخشهای عظیم اقتصادی در مراکز سرمایه داری گردیده، زیانهای جبران ناپذیری را از نگاه مادی و انسانی برای مردمان کشورهای سرمایه داری به بار می آورد.

- تمرکز قدرت اقتصادی در سطح جهانی در سازمانهایی چون گروه هشت، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان جهانی تجارت و غیره که دور از ساحه نفوذ شهروندان، قرار دارند.

- رسمیت بخشیدن جنگ به حیث یک عنصر ساختاری نظم جهانی امپریالیستی و جهانی شدن سرمایه داری، تطبیق دکترین جدید نظامی امپریالیزم در وجود «جنگ وقایه یی» و توجیه حمله های نظامی به بهانه پیشگیری از اقدامهای تروریستی.

- تشدید نابرابری بین شمال و جنوب یعنی بین متروپولهای سرمایه داری و مناطق اطراف سرمایه داری، افزایش سرسام آور فقر و بینوایی در کشورهای اطراف سرمایه داری که باعث تشدید تروریزم می‌گردد.

- گسترش ساحة منافع استراتیژیک امپریالیزم به بهانه صدور دموکراسی یا حمایت از آن.

- «کالاشدن» تمام عرصه های فعالیت بشری و حتی منابع طبیعی حیات؛ از فعالیت‌های فرهنگی و علمی گرفته تا آب و در این اواخر «هوا» و حتی ژنوم انسان مشمول منطق کالایی سرمایه شده اند.

یکی دیگر از مشخصات کنونی دوران حاضر، رسیدن راست ترین لایه های نظام سرمایه داری در رأس هرم قدرت میباشد. هم اکنون نیوکانسرواتیفها در تعدادی از کشورهای بزرگ سرمایه داری در راس قدرت قرار دارند. جهانی شدن سرمایه داری نیولیبرال نی تنها بر کشورهای اطراف تأثیرات سوء به جا گذاشته، بل که باعث پایین آمدن سطح زنده گی توده ها در کشورهای بزرگ سرمایه داری نیز گردیده است.

در اثر اجرای سیاستهای نیولیبرالی، طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش کشورهای بزرگ صنعتی سرمایه داری امتیازاتی را که در نتیجه مبارزات فداکارانه طولانی طی قرون متمادی به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی به دست آورده بودند از دست میدهند. اوجگیری رادیکالیزم مذهبی به خصوص بنیادگرایی اسلامی، گسترش تمایلات ناسیونالیستی و جدایی طلبی، تقابل مدنیتهای و فرهنگها، مشخصه دیگری از وضع کنونی جهان محسوب میشود.

در نتیجه سیاستهای زورگویانه نیو امپریالیزم، خشونت در مناسبات بین المللی تشدید گردیده و تروریزم سازمانیافته به اشکال گوناگون آن به طور بیسابقه یی گسترش مییابد. استفاده بی رویه سودجویانه از منابع طبیعی جهان باعث تهی شدن کره زمین از منابع طبیعی و آلوده گی خطرناک و بی مانند محیط زیست می‌گردد.

تشدید مسابقات تسلیحاتی به ویژه طی سالهای اخیر و امکان دستیابی بیشتر کشورها به سلاح هسته یی جهان را بیش از هر وقت دیگر به مکان ناامن مبدل کرده است.

یکی از ویژه گیهای جهان کنونی این است، که در یک سوی آن جوامع فراصنعتی گسترش مییابند و در سوی دیگر آن جامعه صنعتی غول پیکری در حال شکلگیریست.

با گذار کشورهای بزرگ اروپایی و امریکا به سمت توسعه فراسنعتی رقابت بر سر این موضوع که کدام کشورها قادر خواهند بود پاسخگوی نیازهای بازار صنعتی جهان گردند یکی از مهمترین عرصه های رقابت در سالهای آینده میباشد.

رقابت بین کشورهای فراسنعتی و غولهای اقتصادی جدیداً در حال ظهور، در مقیاس جهان تشدید مییابد؛ همین اکنون چشم انداز ظهور ابرقدرتهای جدید اقتصادی به خصوص در وجود چین و هند کاملاً ممکن به نظر میرسد.

طی دو دهه اخیر در نتیجه تک قطبی شدن جهان، سیاستهای جهانی تحت تأثیر یکه تازی تک ابرقدرت جهان شکل گرفته است و چنانکه پیشبینی میشد بعد از فروپاشی سیستم جهانی سوسیالیسم دولتی جنبشهای چپ و دموکراتیک نخستین قربانیان این سیاست گردیدند.

سرعت و شتاب تغییرات، از مهمترین ویژه گیهای جهان کنونی اند. این تغییرها شامل همه ابعاد جامعه بشری گردیده اند. نظام تک قطبی جهانی به همان سرعتی که پدیدار گردیده بود اکنون در تقابل با تحولات جدید در حال دگرگون شدن است و ابرقدرتهای جدیدی در حال ظهور اند.

بعد از دو دهه افت و شکست و سرخورده گی، جنبشهای چپ و دموکراتیک در جهان در حال سربلند کردن و اوجگیری اند. مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی ابعاد و اشکال تازه اتخاذ کرده است.

طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری اروپا برای حفظ امتیازهای به دست آورده خویش مبارزات خود را گسترش میبخشد، مبارزات زحمتکشان جهان برای آزادی، دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی در سیمای جنبشهای ملیونی مردم متجلی میگردد. جنبشهای ضد جنگ، جنبشهای زنان برای رفع تبعیض جنسی و رهایی از ستم، جنبشهای ضد جهانی شدن سرمایه، جنبشهای حفاظت محیط زیست، در همبسته گی با جنبشهای کارگری روز تا روز گسترش مییابند. نمونه امیدبخش این اوجگیری را میتوان در به قدرت رسیدن نیروهای چپ از طریق مبارزات مسالمت آمیز، دموکراتیک و قانونی در تعدادی از کشورهای امریکای لاتین مشاهده کرد. این اوجگیری همچنان بطلان ادعای مبلغان ابدی بودن "نظام نوین جهانی" را ثابت ساخته؛ بشارت میدهد که سرمایه داری پایان تاریخ نیست.

منطقه‌یی که سرزمین افغانها در آن قرار دارد به کانون تشنجهای فزاینده مبدل میشود؛ پاکستان به حیث حامی تروریسم و خشونت نقش اساسی را در بی ثبات ساختن منطقه، حفظ تشنج، تولید و بازتولید تروریسم و خشونت ایفا میکند.

نیروهای افراطی ماجراجو در حاکمیت ایران تهدیدی جدی برای صلح و ثبات منطقه پنداشته میشوند.

در منطقه اختلافهای مرزی ناشی از دوران تسلط استعمار بین کشورهای همسایه سر بلند میکنند. تمایلات جدایی طلبانه افزایش یافته و آرایش موجود جغرافیایی فاقد دورنما گردیده است.

سیاست ماجراجویانه و تسلط طلبانه آمریکا و غرب که به خاطر حفظ و گسترش منافع آن در منطقه، دسترسی به منابع طبیعی کشورهای آسیای میانه، رخنه در بازارهای پُرونق منطقه به ویژه هندوستان و تحکیم جای پای در آسیا برای آماده گی جهت تقابل با ابرقدرتهای در حال ظهور تعقیب می‌گردد، صلح و ثبات منطقه را جداً به خطر انداخته است. در نتیجه این سیاستهای ناعاقبت اندیشانه، سرزمینهای وسیع منطقه در گرو بنیادگرایان مذهبی قرار گرفته است.

سوم- اهداف مرامی

۱- در عرصه های سیاسی- حقوقی و نظامی- امنیتی

مردم افغانستان مدتهاست که از بحران عمومی ناشی از جنگ و کشمکشهای خونین بر سر تقسیم قدرت و ثروت در کشور رنج می‌برند. جنگ ویرانگر که تا همین اکنون به نامهای مختلف دفاع از وطن، ملیت، مذهب و مبارزه علیه تروریسم و غیره بر مردم ما تحمیل گردیده است، یکی از عوامل عمده بدبختیها و مصیبتهای مردم ما بوده، به رنجهای بیکران آن‌ها افزوده و به مانع جدی در راه انکشاف دموکراتیک جامعه مبدل شده است.

طی قرون متمادی تمام قدرت و ثروت در اختیار یک اقلیت کوچک قرار داشته، اکثریت توده های مردم در فقر و محرومیت نگهداشته شده و راه انکشاف سریع کشور مسدود

گردیده است. دور نگهداشتن نماینده گان واقعی اقشار زحمتکش و ستمدیده مردم از ارگانهای حاکمیت زمینه را برای تسلط چپاولگران فراهم ساخته است. در چنین اوضاعی:

"نهضت آینده افغانستان" معتقد است، که ایجاد یک دولت واقعاً دموکراتیک، مستقل، یکپارچه و دارای حاکمیت ملی، که ممثل اراده مردم افغانستان و ضامن منافع آن ها باشد و بتواند کشور را از بحران عمومی بیرون کشد، صلح پایدار، امنیت، آزادی و استقلال را تأمین و تحکیم بدارد، از تمامیت ارضی کشور دفاع و حراست نماید و جامعه افغانی را به سوی توسعه، انکشاف، ترقی و بهبودی زنده گی زحمتکشان سوق دهد، به ضرورت مبرم و حیاتی مردم افغانستان و آرمان تاریخی آن ها مبدل گردیده است. نهضت آینده افغانستان از این آرمان بزرگ و تاریخی مردم افغانستان دفاع نموده تحقق عملی آن را در صدر وظایف خود قرار میدهد.

نهضت آینده افغانستان به این باور است، که ایجاد دولت دموکراتیک و مترقی در افغانستان یک روند طولانی بوده که در نتیجه تحولات پیگیر و تدریجی دموکراتیک با شرکت آگاهانه توده های مردم افغانستان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ممکن و میسر میگردد. بناً آگاه سازی، سازمانیابی، و فراهم سازی زمینه های لازم برای جلب آن ها به خاطر شرکت فعال در روند تحولات دموکراتیک جامعه یک وظیفه عمده و تأخیرناپذیر میباشد.

دستگاه کنونی دولت که عمدتاً در اختیار نیروهای ارتجاع جهادی، بیروکراتهای وابسته به خارج و عناصر نامریی مافیای موادمخدر است، توان حل مسایل سرنوشت ساز کشور را ندارد. فورمالیزم دموکراتیک در چوکات قانون اساسیی که ماهیتاً تضادآمیز و پرتناقض است، نتوانست و نخواهد توانست به نیازمندیهای سیاسی و حقوقی کشور پاسخ مثبت و سازنده ارایه کند.

نهضت آینده افغانستان با درک بیعدالتیها، نابسامانیها و مصایب بیشماری که بر کشور تحمیل میگردد، به منظور تکوین نظامی متکی بر اراده واقعی مردم، ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی، در راه تصویب یک قانون اساسی واقعاً دموکراتیک که ضامن آزادیهای دموکراتیک، استقلال و تمامیت ارضی کشور، حاکمیت ملی و برابری افراد در برابر قانون باشد، تبعیض نژادی، ملی، قومی، زبانی، جنسی و مذهبی را جرم شمارد،

آزادی واقعی تشکل و فعالیت احزاب و سازمانهای اجتماعی را ضمانت نماید و کرامت انسانی را فراتر از هر اصل دیگر قرار دهد، با پیگیری مبارزه میکند. نهضت آینده افغانستان از مبارزه مردم افغانستان به خاطر تأمین و تحکیم آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، تأمین دموکراسی و دفاع و حفظ تمامیت ارضی کشور حمایت و پشتیبانی میکند.

خط دیورند که خارج از اراده مردمان افغانستان و منطقه، به منظور حفظ ساحة سلطه و نفوذ استعمار انگلیس و ممانعت از یگانه گی و همسویی سیاسی خلقهای هم‌ریشه و هم‌فرهنگ دو سوی آن در جبهه آزادیخواهی، طرح و تحمیل گردید، پیوسته خاستگاه تشنجهایی بوده است که صلح و منافع باشندگان منطقه را به مخاطره انداخته است. نهضت آینده افغانستان در جهت ایجاد چنان شرایطی مبارزه میکند که وجود مرزهای مصنوعی مانع همزیستی برادرانه و استقرار روابط گسترده بین کشورهای منطقه نگردد. نهضت آینده افغانستان بر آن است که حل اختلافات مرزی صرف از طریق مذاکرات سیاسی بین نماینده گان واقعی مردمان ذیربط که از طریق دموکراتیک برگزیده شده باشند، امکانپذیر است، نی از سوی نظامهای ایدیالوژیک که هیچ گونه اعتبار تاریخی و دموکراتیک ندارند.

دموکراسی رکن اساسی دولت دموکراتیک بوده، به گونه یی که در دولت دموکراتیک قدرت سیاسی و حاکمیت به مردم تعلق دارد و مشروعیت خویش را از مردم میگیرد. نهضت آینده افغانستان خواهان آن چنان دولت دموکراتیک است که از طرف مردم در نتیجه انتخابات سِری و مستقیم بدون تبعیض و تمایز قومی، ملی، مذهبی، نژادی، زبانی و جنسی به وجود آید.

نهضت آینده افغانستان در جهت فراهم آوری شرایط مناسب برای راه اندازی انتخابات آزاد و دموکراتیک مبارزه نموده، با درنظرداشت منافع جنبش، در مبارزات انتخاباتی شرکت مینماید تا خواسته ها و مطالبات زحمتکشان را مطرح نماید و نهادهای حاکمیت را از اختیار انحصاری ارتجاع بیرون کشیده در خدمت تحقق خواستههای زحمتکشان افغانستان قرار دهد.

با درنظرداشت این امر که نظامهای سیاسی دارای دو جنبه ساختاری اند: یکی، ماهیت و محتوای اجتماعی - سیاسی آن ها (خصلت طبقاتی)؛ دو، دیگر شکل سیاسی و حقوقی

آن‌ها. به باور "نهضت آینده افغانستان" دولت جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی، با تفکیک قوای سه‌گانه (مقننه، اجراییه و قضاییه) پیشرفته‌ترین و مناسب‌ترین شکل، برای مبارزه و دفاع از حقوق زحمتکشان و انکشاف مترقی کشور محسوب می‌گردد.

نهضت آینده افغانستان عقیده دارد که شکل اداره و نحوه فعالیت دولت دموکراتیک، تعیین و تفویض حقوق و صلاحیتهای ارگانهای ادارات محلی با در نظر داشت شرایط مشخص و اوضاع کشور مطابق اراده مردم به شیوه دموکراتیک و عادلانه تنظیم گردد. نهضت آینده افغانستان به منظور تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی از تشکیل شوراهای محلی حمایت مینماید.

نهضت آینده افغانستان به این باور است، که تنها یک دولت دموکراتیک مدافع منافع تمام زحمتکشان جامعه افغانی میتواند شرایط تبارز دموکراتیک نماینده گی سیاسی تمام ملیتهای ساکن در کشور را فراهم سازد.

نظام حقوقی در دولت دموکراتیک ضامن حقوق اساسی مردم منجمله، حق زنده گی، کار، تحصیل، اقامت، سفر، صحت و انتخاب شغل است.

نهضت آینده افغانستان آزادی بیان، فکر و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مهمترین شرط تأمین دموکراسی و آزادیهای سیاسی در افغانستان میداند و به خاطر توسعه و گسترش آن‌ها مبارزه مینماید.

نهضت آینده افغانستان به خاطر گسترش و تعمیق سیستم عادلانه قانونگذاری مبارزه نموده و از مساعی به خاطر تطبیق همه جانبه قوانین در کشور حمایت میکند.

نوسازی دستگاه حقوقی - قضایی کشور به یک ضرورت مبرم مبدل گردیده است. نهضت آینده افغانستان، با تکیه بر سنتهای عدالتخواهانه مردم افغانستان بازنگری مترقی اصول حقوقی حاکم در افغانستان را یک ضرورت تاریخی تلقی میکند.

نهضت آینده افغانستان ایجاد، تجهیز، اکمال و ارتقای کارآیی و مهارت جنگی اردوی ملی را از وظایف تأخیرناپذیر دولت شمرده، از چنان اردوی ملی حمایت مینماید که دارای ماهیت تدافعی بوده و ضامن استقلال، تمامیت ارضی و منافع مردم افغانستان باشد.

نهضت آینده افغانستان خواهان خلع سلاح بدون قید و شرط تمام گروهها و افراد مسلح و ملیشای ملکی، جمع آوری سلاح و مهمات جنگی و پاکسازی کشور از کشتزارهای ماین میباشد.

جغرافیای سیاسی افغانستان به این کشور یک موقعیت حساس منطقه‌ی بخشیده است. این موقعیت باعث شده تا در اثر آزمندی کشورهای همسایه، منطقه و جهان افغانستان به مرکز درگیریهای دایمی مبدل گردد.

نهضت آینده افغانستان در حالی که از همکاریهای جامعه جهانی به خاطر ختم بحران افغانستان پشتیبانی میکند، خواهان توظیف اختصاصی قوای خارجی در جهت تأمین صلح پایدار، ریشه کن کردن تروریسم و برچیدن کانونهای بنیادگرایست تا باشد چنان شرایطی در افغانستان و منطقه به وجود آید که ضرورت حضور نیروهای نظامی خارجی در کشور را مرفوع سازند.

نهضت آینده افغانستان عقیده دارد که تعبیه پایگاهها و تأسیسات نظامی در کشور صلح و ثبات در منطقه و جهان را به مخاطره می اندازد. سرزمین افغانستان نباید برای اهداف سلطه جویانه، تأمین و حفظ منافع آزمندانة سرمایه داری جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

۲- در عرصه اقتصادی

الف- راه رشد اقتصادی:

در وضعیت موجود که سیستم عقبمانده اقتصادی، سطح پایین رشد نیروهای مولد و میزان نازل بازدهی کار و مولدیت از جمله ویژه گیهای اساسی اقتصاد افغانستان به شمار میرود و اقتصاد کشور از جهت وجوه تولید و ساختار اقتصادی، مرکب از اقتصاد چند شیوه‌ی و فاقد سیستم مؤثر تولیدیست، گزینش راه انکشاف و ترقی اقتصادی- اجتماعی و انتخاب روشها و پرنسپهای اقتصادی با اهمیت ترین مسأله بیست که در برابر کشور قرار دارد.

"نهضت آینده افغانستان" با توجه به نیروی کار مستعد، استعدادهای طبیعی، زمینهای وسیع زراعتی، منابع زیرزمینی، رشد سریع دستاوردهای انقلاب تکنولوژیک در سطح جهانی و موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی افغانستان، باور دارد که چنانچه صلح پایدار در کشور تأمین گردد و یک دولت واقعاً دموکراتیک ایجاد گردد، افغانستان میتواند به اسرع وقت به کشور آباد، انکشاف یافته و مترقی تبدیل گردد و رفاه و آسوده گی مردم آن تأمین و تضمین شود.

نهضت آینده افغانستان معتقد است که عقبمانده گی دیرین، توسعه نیافته گی، فقر اقتصادی، نابرابری و بیعدالتی مظاهر روشن تسلط مناسبات عقبمانده قرون وسطایی اقتصادی- اجتماعی بوده، بدون دگرگون ساختن این مناسبات و متحول گردانیدن زیرساختهای اقتصادی به سود فرودستان، انکشاف، رشد و توسعه اقتصادی کشور و در غایت رفاه و ترقی اجتماعی و رهایی انسان زحمتکش جامعه افغانی مقدور نیست.

"نهضت آینده افغانستان" به این باور است که در کشور بی نهایت عقبمانده، دارای اقتصاد ورشکسته با پایین ترین سطح عاید ملی و مردم در فقرنشسته با حجم وسیع تخریبات سه دهه جنگ تحمیلی، نمیتوان تنها با گزینش "مدل نظام اقتصاد بازار آزاد" و پذیرفتن منطق اقتصادی ساختاری آن، به تحقق اهداف و وظایف مرحله جاری دست یافت و نیازمندیهای اساسی جامعه را تأمین نمود.

نهضت آینده افغانستان بر آن است که رهاکردن سرنوشت ملیونها انسان به دست "اراده بازار آزاد" پیامدی جز استقرار فاجعه آمیز "سرمایه داری بی بند و بار" در افغانستان نخواهد داشت.

نهضت آینده افغانستان در گزینش نظام اقتصادی- اجتماعی کشور، رجحان منافع زحمتکشان جامعه افغانی را یک اصل انصراف ناپذیر شمرده، برای تحقق اهداف و وظایف مرحله کنونی خویش در عرصه های اقتصادی- اجتماعی از سیستم اقتصاد مختلط که ترکیبی از عناصر سیستم بازار آزاد و پلانگذاری مرکزی اند حمایت مینماید. این که عناصر کدام یک از سیستمهای اساسی در این نظام مختلط اقتصادی- اجتماعی زیادتیر نفوذ خواهد داشت مربوط به عامل سیاسی و ترکیب اجتماعی و طبقاتی نیروهای حاکم نظام، میلانهای درون نظام سیاسی و چگونه گی اساسات تولید و درجه رشد نیروهای مولد و مراکز تولیدی میباشد.

نهضت آینده افغانستان از چنان سیاست اقتصادی حمایت میکند که هدف آن، ارتقای سطح زنده گی مردم، تأمین آهنگ رشد با ثبات و متوازن در تمام عرصه های اقتصاد ملی بوده، دارای دورنمای روشن انکشافی و رفاه همه گانی باشد.

"نهضت آینده افغانستان" بر آن است که به منظور تأمین رشد سریع نیروهای مولد، ایجاد زیرساختهای اقتصادی و تأمین انکشاف متوازن و با ثبات اقتصادی، باید از منابع و سرمایه های ملی و کلیه ریزرفها و امکانهای بیرونی بهره گیری و استفاده مؤثر اقتصادی به عمل آید و استراتیژی برنامه اقتصادی - اجتماعی برای اجرای وظایف مرحله جاری بر پایه سکتورهای دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط استوار گردد.

با در نظر داشت این که، تحول و سمندهی ساختارهای پایه یی نظام اقتصادی - اجتماعی در مسیر رشد و انکشاف متوازن و کاهش درجه استثمار، مزید بر تقویت و بهره گیری مؤثر از سکتور خصوصی، مستلزم توسعه، تحکیم و گسترش مالکیتهای دولتی و تعاونی نیز میباشد، "نهضت آینده افغانستان" از اقتصاد دولتی و تعاونی حمایت به عمل می آورد.

نهضت آینده افغانستان معتقد است که انکشاف سکتورهای عامه، تعاونی و مختلط به ویژه در عرصه های زیربنایی، کلید ثبات کشور اند. البته نباید حمایت از توسعه و گسترش سکتور دولتی و تعاونی به معنای کم بهادادن به سایر سکتورهای مشمول در ترکیب اقتصاد ملی تلقی گردد. هرگونه برخورد قشری به نقش سکتور دولتی و مطلق کردن وظیفه آن به عنوان سرمایه گذار و هدایت کننده مطلق بدون توجه به درجه رشد و میزان عقبمانده گی دیرین ساختاری و توسعه نیافته گی میتواند اثرات نامطلوب در اقتصاد ملی از خود به جا گذارد.

مسأله مالکیت بر وسایل تولید بنیادی ترین مسأله اقتصادی در تمام جوامع است. این مسأله کلید درک بهره کشی از انسان و تمام مطالب دیگر اجتماعی را به دست میدهد. تا زمانی که تمام ثروت اجتماعی در اختیار تمام جامعه قرار نگیرد، نمیتوان از انکشاف همه جانبه انسان سخن راند. برای "نهضت آینده افغانستان" تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی به مثابه یکی از اهداف غایی به حیث پیش شرط برای ایجاد یک جامعه عادلانه انسانی مطرح است.

از دید "نهضت آینده افغانستان" در این مرحله تکامل تاریخی، انعطاف پذیری در تدوین برنامه های اقتصادی- اجتماعی امر کاملاً ضروری پنداشته میشود و مصونیت قانونی ملکیت، اعم از دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط، ضمانت مهم پیشرفت و ثبات اقتصادی و سیاسی به شمار میرود.

به پندار نهضت آینده افغانستان تسریع آهنگ انباشت سرمایه کل نظام اقتصادی باید در خدمت رفع عقبمانده گی دیرین تاریخی اقتصادی- اجتماعی افغانستان قرار گیرد و تمام سکتورهای مشمول در دایره اقتصاد ملی کشور بر بنیاد برنامه علماً تنظیم شده و استراتژیی که دارای دورنمای روشن انکشافی و رفاه همه گانی باشد به صورت به هم پیوسته یی در جهت رفع عقبمانده گی، تأمین استقلال اقتصادی کشور، رشد نیروهای مولد، توسعه و انکشاف متوازن و بهبود و ارتقای مستمر سطح زنده گی مردم به ویژه زحمتکشان هدایت گردد.

نهضت آینده افغانستان تأمین مالکیت دولت را بر معادن، منابع اساسی انرژی، جنگلها، اراضی بایر، بنادر، خطوط مواصلاتی اعم از هوایی و زمینی و تمام تأسیسات استراتژیکی که با تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال کشور پیوند دارند، مورد تأیید قرار داده از توسعه و گسترش سرمایه گذاریهای دولتی در بخشهای اساسی زیربنایی اقتصادی، بهداشت، تعلیم و تربیه، آموزش و پرورش و امور مربوط به نگهداشت محیط زیست حمایت میکند.

ب- عرصه زراعت:

با در نظر داشت این که در افغانستان زمین عمده ترین وسیله تولید است و نقش اساسی و پایه یی را در اقتصاد ملی کشور دارد، نهضت آینده افغانستان، حل مسأله مالکیت بر زمین را به حیث یک موضوع با اهمیت و حیاتی برای کشور تلقی میکند.

نهضت آینده افغانستان به این باور است که بدون انجام رفورم واقعی ساختاری مترقی زراعتی و حل بنیادی مسأله زمین و آب به سود مولدان مستقیم، انکشاف مستمر اقتصادی و بهبود زنده گی دهقانان بی زمین و کم زمین میسر نیست.

از دیدگاه "نهضت آینده افغانستان" تأمین آب، تنظیم شبکه های آبیاری، تبدیل اراضی بایر به زمینهای زراعتی به منظور توزیع به دهقانان بی زمین و کم زمین و ایجاد فارمهای

زراعتی، میکانیزه ساختن زراعت، تعیین عادلانه حد نصاب مالکیت بر زمین، تأمین نیازهای مادی تولیدی کشاورزان، خطوط اساسی رفورم مذکور را میسازند. ایجاد واحدهای مؤثر تولیدی به شکل تعاونیهای تولید زراعتی، با شرکت آگاهانه مستقیم دهقانان میتواند به حیث آغاز رفورم نامبرده مطرح گردد. این رفورم مستلزم آن است تا دهقانان به طور آگاهانه و داوطلبانه در آن سهم بگیرند. آماده گی ذهنی و اندیشه یی دهقانان برای تحقق این رفورمها، در واقع آغاز دگرگونی مناسبات اجتماعی- اقتصادی در روستاهای افغانستان است.

نهضت آینده افغانستان رفع مالکیت بزرگ خصوصی بر زمین و قرارداد آن را در اختیار مولدان مستقیم بخش آرگانیک رفورم مترقی ساختاری زراعتی تلقی میکند. دهقانان کثیرالعهده ترین طبقه را در ترکیب اجتماعی کشور تشکیل داده، نقش اساسی را در روند تولید و فعالیتهای اقتصادی جامعه افغانی ایفا مینمایند. بیشترین نفوس مستعد به کار در بخش زراعت مصروف بوده این سکتور سهم عمده را در تولید ناخالص ملی کشور دارد. اختصاص بخش قابل ملاحظه زمینهای زراعتی برای کشت و تولید محصولات افیونی که بالاترین رقم را در عاید ملی کشور دارد، به اهمیت این عرصه افزوده است. نهضت آینده افغانستان از تدابیر و اقدامهایی که در جهت بسیج دهقانان و مالداران کشور، ارتقای سطح مهارت آن ها در استفاده از روشهای جدید علمی زراعتی و به کارگیری تخنیک زراعتی به هدف میکانیزه کردن زراعت، ازدیاد سطح محصولات و تولیدات زراعتی و مالداری، ارتقای سطح بازدهی زمین و بهبود شرایط کار و زنده گی آن ها اتخاذ گردد، حمایت مینماید.

نهضت آینده افغانستان عقیده دارد که در این مرحله تکامل اقتصادی- اجتماعی کشور، سازمانهای کوپراتیفی زراعتی در بسیج و سازمانیابی توده های وسیع روستایی به ویژه لایه های متوسط و پایینی روستاها که دارای درآمد اندک اند و توانایی برآوردن هزینه زنده گی خویش را ندارند کارآیی بهتر را نسبت به سایر نهادهای اجتماعی- اقتصادی میتوانند داشته باشند.

نهضت آینده افغانستان از توسعه، گسترش و انکشاف جنبش کوپراتیفی در کشور پشتیبانی و حمایت نموده کار و مبارزه خسته گی ناپذیر در این زمینه را در سرخط وظایف خود قرار میدهد.

نهضت آینده افغانستان به این باور است که شکل و سازمانیابی تهیدستان بر پایه اصل تعاون و ایجاد سازمانهای کوپراتیفی که عرصه های مختلف فعالیتهای اقتصادی را فرا گیرد در تسریع آهنگ اقتصادی- اجتماعی و بهبود زنده گی زحمتکشان کشور میتواند نقش مؤثر را ایفا بدارد.

افغانستان به حیث یک کشور زراعتی به بزرگترین مولد موادمخدر مبدل گردیده است. برگشتاندن زراعت به سوی تولید مواد مورد ضرورت مردم مستلزم برچیدن شبکه های مافیای مواد مخدر از کشور است. "نهضت آینده افغانستان" این موضوع را به حیث یک وظیفه سترگ ملی مطرح مینماید.

مبارزه علیه پروسه تولید غیرقانونی موادمخدر و قاچاق آن از اهمیت خاصی برای مردم افغانستان برخوردار است. موفقیت مبارزه در این زمینه مستلزم مشارکت مستقیم و آگاهانه زارعان به ویژه دهقانان کم زمین و بی زمین است. ایجاب مینماید تا چنان برنامه یی در این زمینه تدوین و تطبیق گردد که متضمن رهایی زارعان کشور از وابسته گی به جلابها، کارتلها و اتحادیه های موادمخدر بوده باعث ایجاد بدیل معیشتی زارعان و بهبود وضع اقتصادی آنان گردد.

جنگلها، بخشی از ثروت ملی کشور را تشکیل میدهند. طی سالهای اخیر به این بخش صدمه شدید وارد گردیده است. "نهضت آینده افغانستان" از اقداماتی که هدف آن احیا، توسعه، حفاظت و استفاده معقول اقتصادی از جنگلهای کشور باشد حمایت مینماید. نهضت آینده افغانستان خواهان فراهم آوری شرایط لازم برای اسکان داوطلبانه کوچیان زحمتکش کشور است و از هر اقدام مؤثر که موجب ارتقا و بهبود زنده گی اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی آن ها گردد حمایت مینماید. نباید اجازه داد تا حقوق انسانی این قشر مظلوم، فقیر و زحمتکش کشور پامال و حق استفاده آن ها از منابع طبیعی کشور سلب گردد.

ج- معادن و صنایع:

افغانستان در بخش معادن کشور ثروتمند و دارای منابع قابل توجه میباشد ولی، بنابر تجاوز و مداخلات استعمارگران، تسلط نظامهای ارتجاعی و استبدادی خودکامه و ساختارهای عقبمانده اقتصادی- اجتماعی، از این منابع سرشار و ریزرفهای موجود به

نفع انکشاف و ترقی کشور و بهبود زنده گی زحمتکشان استفاده مؤثر به عمل نیامده است. نهضت آینده افغانستان از نظارت دولت بر معادن و سایر منابع زیر زمینی حمایت نموده خواهان آن است تا دولت به منظور تثبیت منابع منرالی، حفاظت و استفاده از آن و جلب سرمایه گذاری در این عرصه و بهبود امور سروی جیولوژیکی، تفحص، استخراج و بهره برداری مؤثر اقتصادی از منابع طبیعی، پالیسی و استراتیژی جامع، ترقیخواهانه و همه جانبه را که متضمن انکشاف و بهبود زنده گی مردم باشد در عرصه معادن طرح و تدوین نماید.

نهضت آینده افغانستان به این عقیده است که نباید با متشبثان تولیدی و صنایع خصوصی نوپای کشور برخورد ایدئالوژیک و بیروکراتیک به عمل آید. متشبثان تولیدی و خدماتی در روند انکشاف اقتصاد ملی یکی از موتورهای مؤثر رشد صنایع به شمار میروند. این بخش با به کارگیری سرمایه خود و جذب مشارکت سرمایه های غیردولتی و استفاده از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارساز، آگاه و مؤثر میتواند ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصاد صنعتی کشور، راه رسیدن به اهداف توسعه یی و انکشافی مرحله کنونی را کوتاه سازد.

نهضت آینده افغانستان از همه اقدامهای ترقیخواهانه مؤثر که در جهت توسعه و انکشاف صنایع ملی کشور صورت گیرد حمایت مینماید.

نهضت آینده افغانستان از صنعتکاران حمایت همه جانبه به عمل می آورد و به منظور بهبود، توسعه و انکشاف صنایع مستظرفه، صنایع دستی و پیشه وری، خواهان اتخاذ تدابیر مؤثر تشویقی و حمایتی از جانب دولت میباشد.

د- عرصه مالی و تجاری:

نهضت آینده افغانستان خواهان رفورم مترقی و عادلانه مالیات به سود زحمتکشان بوده وضع مالیات مترقی و متصاعد بر عایدات را وسیله مؤثر در امر کاهش فاصله بین اقشار فقیر و لایه های ثروتمند میپندارد و از نظام بودجه یی مبتنی بر افزایش منابع عایداتی داخلی و کاهش وابسته گی به وامها و امدادهای خارجی حمایت مینماید. نهضت آینده افغانستان جانبدار وضع مالیات عادلانه بر ثروتهای بزرگ منقول و غیرمنقول است.

نهضت آینده افغانستان خواهان مدرنیزه نمودن سیستم بانکی و توسعه خدمات بانکی بوده از تأسیس بانکهای انکشافی، زراعتی، تعاونی و کریدتی که هدف آن کمک به مولدان و پرداخت وامهای کوچک کم ربح به زارعان، روستاییها و فقرا باشد حمایت مینماید.

نهضت آینده افغانستان از ایجاد، انکشاف، گسترش و مدرنیزه ساختن شبکه های مواصلات و مخابرات حمایت مینماید.

نهضت آینده افغانستان در عرصه تجارت از چنان سیاستی پشتیبانی مینماید که متضمن توسعه و انکشاف تولیدات ملی، تزئید حجم صادرات، تعویض کالاهای مصرفی وارداتی به تولیدات داخلی، تأمین تعادل بیلانس کل تجارتي کشور گردد. در شرایط موجود به منظور تأمین به موقع کالاهای مورد نیاز عامه و مواد خام مؤسسات تولیدی داخلی و جلوگیری از ورود اجناس غیرضروری و مشابه تولیدات داخلی، باید با نظام تعرفه یی از تولید کننده گان داخلی حمایت به عمل آید و به این منظور سیستم ویژه تعرفه یی حمایتی ایجاد گردد.

نهضت آینده افغانستان بر آن است که در وضعیت کنونی جهانی که تمرکز قدرت اقتصادی در سطح جهانی در سازمانهایی چون گروه هشت، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان جهانی تجارت و غیره که دور از ساحه نفوذ شهروندان، قرار دارد نمیتوان انتظار آن را داشت که تصامیم و اقدامات سازمان تجارت جهانی به نفع کشورهای در حال توسعه و فقیر تمام گردد، زیرا به وجود آمدن ارکان پُر قدرت مالی-تجاری عمدتاً به هدف خارج کردن مراکز مهم تصمیمگیری جهانی از دست دولتها و انتقال مستقیم آن به انحصارهای سرمایه داری فراملی صورت میگیرد. با وجود این، تجارت جهانی میتواند یکی از عوامل رشد اقتصادی و بازدارنده فقر در کشور باشد ولی بازگذاشتن دروازه های کشور بدون اتخاذ تدابیر حمایه یی تولیدات ملی در حکم نابودی تولیدات داخلیست.

نهضت آینده افغانستان به این باور است که اتخاذ سیاست همسان تجارتي و مالی در برابر کلیه عرضه کننده گان کالاهای تولیدی داخلی و خارجی در شرایطی که تولیدات داخلی حداقل قدرت رقابت را از نظر کیفی و کمی در برابر محصولات وارداتی خارجی ندارند چیزی جز تبدیل کشور به یک جامعه مصرفی نیست.

به باور "نهضت آینده افغانستان" ایجاد تسهیلات ترانزیتی برای افغانستان (فعال شدن و اعمار شاهراههای ترانزیتی و عبور لوله های نفت و گاز از خاک کشور) به حیث کشور محاط به خشکه از اهمیت خاصی برخوردار است. "نهضت آینده افغانستان" در این مورد از اصل استفاده مؤثر از موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی کشور به سود مردم افغانستان حمایت مینماید.

۳- در عرصه اجتماعی

رفع تمام بیعدالیهای اجتماعی که بر مردم افغانستان تحمیل گردیده اند، آرمان نهضت آینده افغانستان است. ستمهای طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی که در جامعه افغانی مستقر اند، افغانستان را از نگاه اجتماعی در شمار عقبمانده ترین کشورهای جهان قرار میدهند. خاتمه دادن به این وضع نیازمند یک رستاخیز عظیم اندیشه یی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعیست. نهضت آینده افغانستان سهم شایسته خود را در این رستاخیز ایفا میکند. شرکت آگاهانه تمام اقشار مظلوم و کته گوریهای اجتماعی زیر ستم در روند بازگونسازی مناسبات اجتماعی موجود، شرط آرگانیک آن است. نهضت آینده افغانستان در راه تحقق این داعیه تاریخی- اجتماعی، کار گسترده روشنگرانه را پیش خواهد برد. نهضت آینده افغانستان وجود رسم و رواجهای فرتوت و خرافی و ایدیالوژیهای قهقرایی را موانع جدی بیداری خلق تلقی کرده، در راه رفع آن ها با جنبش پیشرو روشنفکری کشور همگام است.

زنان افغان همیشه گرانترین بخش ستم اجتماعی را بر دوش کشیده اند. آنان همراه با مناسبات ظالمانه اجتماعی- اقتصادی، در درون خانواده در موقف برده قرار داشته اند. زن افغان در اذهان جهانیان به حیث یک سیمای مظلوم شهرت یافته است. نهضت آینده افغانستان تثبیت جایگاه شایسته زن افغان را در جامعه در مرکز وظایف خود قرار داده، جهت ایجاد سازمانهای اجتماعی مدافع منافع زنان افغان تلاش میورزد. تسجیل حقوق مساوی زن با مرد در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی از وظایف مبرم جنبش دموکراتیک افغانستان است. نهضت آینده افغانستان سعی میکند تا این مساوات در قانون اساسی و در تمام قوانین کشور تصریح گردیده، در عمل تحقق یابد.

کودکان افغان از مظلوم ترین و بینواترین باشندگان کره زمین به شمار میروند. آنان مزید بر تهدید دایمی مرگ، با بی سرپناهی، گرسنه گی، بی لباسی و بیسوادی وارد صحنه زنده گی اجتماعی میشوند و ناگزیر در برابر پول ناچیز به کار میپردازند. نهضت آینده افغانستان تلاش خواهد کرد تا حمایت از حقوق کودکان به یک برنامه عظیم ملی و دولتی مبدل گردد. نهضت آینده افغانستان سازمانها و مراجع بین المللی را برای رویدست گرفتن برنامه های بهشد وضع کودکان افغان ترغیب خواهد کرد.

از نگاه صحتی و حمایتی طفل و مادر، افغانستان در شمار عقبمانده ترین کشورهاست. دولت وظیفه دارد تا یک نظام مؤثر مؤسسات عصری صحتی را به وجود آورده، تداوی رایگان اقشار نادار جامعه را به عهده گیرد. نهضت آینده افغانستان در راه ایجاد چنین نظام صحتی مبارزه میکند.

تضمین حداقل وسایل معیشت برای نادارترین افراد و حاشیه نشینان جامعه، یک وظیفه بشریست. نهضت آینده افغانستان تلاش میکند تا این مأمول هرچه زودتر از سوی دولت برآورده گردد.

به باور نهضت آینده افغانستان کارآیی، توسعه و انکشاف مستمر اقتصاد ملی بدون شرکت آگاهانه و فعال کارگران، کارمندان، کارشناسان و کادرهای شایسته عرصه اقتصاد ملی در رهبری و سازماندهی کار و تولید مقدور نیست. "نهضت آینده افغانستان" تمام امکانات خویش را در جهت تأمین شرکت آگاهانه و مسؤولانه کارگران، کارمندان و کادرهای شایسته ملی در رهبری واحدهای اقتصادی-اجتماعی (مربوط به سکتور عامه) به کار میبرد و سهم شایسته خود را در امر بسیج، تشکل و سازمانیابی کارگران و سایر کارکنان سکتورهای متشکله اقتصاد ملی و ارتقای آگاهی اجتماعی آن ها ایفا میکند.

تأمین شرایط مصون کار و تولید، تثبیت و رعایت نورمهای عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی، وقایه صحت کارگران در مقابل امراض حرفه یی و کاهش حوادث ناشی از کار و تولید از جمله حقوق اساسی زحمتکشان اند. "نهضت آینده افغانستان" با تمام امکاناتی دست داشته تلاش به عمل می آورد تا نورمها و مقررهای عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی در تمام مراکز کار و تولید نافذ، گسترش، مراعات و تطبیق گردد.

نهضت آینده افغانستان در امر ایجاد و تعمیم سیستمهای مترقی مزد و معاش، تعیین حداقل مزد با در نظر داشت تأمین نیازمندیهای انسانی، تأمینات اجتماعی جهت ارتقای

سطح زنده گی مادی و معنوی کارگران و سایر کارکنان، فراهم کردن زمینه های مساعد و مطمئن کار برای تمام اتباع مستعد به کار کشور و تأمین حق مساوی کار پیوسته تلاش و مبارزه مینماید.

نهضت آینده افغانستان خواهان آن چنان سیستم تأمینات اجتماعی کارکنان میباشد که در آن سهم مالی کارکنان به صورت تدریجی متناسب به رشد و تحکیم اقتصاد ملی تقلیل یابد و از آن اعضای فامیل کارکنان نیز مستفید گردند.

نهضت آینده افغانستان به منظور تثبیت، تحکیم، و تنظیم مناسبات عادلانه کار کارگران و سایر کارکنان، خواهان انفاذ قانون عادلانه و مترقی کار که ضامن حقوق زحمتکشان در تمام سکتورهای مربوطه اقتصاد ملی باشد، بوده و در این راستا مبارزه مینماید.

نهضت آینده افغانستان، بر آن است که معلولان، معیوبان و بازمانده گان جانبخته گان جنگهای سه دهه اخیر مورد حمایت دولت قرار گیرند و در این زمینه سیستم مؤثر تأمینات اجتماعی و شبکه های حمایتی ایجاد گردد.

۴- در عرصه های اندیشه، فرهنگ و آموزش

نهضت آینده افغانستان بر آن است که ایدیالوژیهای ارتجاعی و اندیشه های خرافی، عمده ترین موانع در راه تجدد و پیشرفت جامعه افغانی اند. اشاعه اندیشه ها و بینشهای علمی و رهاساختن ظرفیتهای عظیم روشنفکرانه کشور از چنبره بندهای ایدیالوژیک، قومگرایی، زبانگرایی، ملیتگرایی و دیگر پنداشتهای کهنه، از وظایف اساسی جنبش عمومی چپ و دموکراتیک است؛ نهضت آینده افغانستان سهم شایسته و پیشتاز خود را در این امر ایفا خواهد کرد.

نهضت آینده افغانستان با هرگونه دستگاه اندیشه یی که به ساده سازی و توجیه واقعیت موجود پردازد و شاهراه آینده را بر اساس پیشداوریهای ذهنی، از قبل ترسیم نماید، از بنیاد بیگانه است.

نهضت آینده افغانستان بر آن است که فراخنگی و تنوع پرداخت اندیشه یی یک ضرورت عینی رشد جنبش دموکراتیک و مترقی جامعه افغانیست.

نیروهای مولد افغانستان، در قالبهای متحجر فکری دیروز، دینامیزم انطباق با وضعیت جدید را فاقد اند. جامعه برای صحنه گذاشتن بر تصویر تجدد، ملزم به شکستن قالبهای کهنه و شکل دادن به الگوهای جدید فکری متناسب با وضعیت است. نقش فرهنگ معنوی در بخشیدن نیروی انعطاف به ذهنیتهای مردم، البته به سود اثرپذیری از فرهنگ پویا، علمی و خرافه ستیز جهانی - که محصول انکارناپذیر مبارزات درازمدت نیروهای ترقیخواه جهان بوده است - ارزش و اعتبار خاصی کسب میکند، اما با دریغ فراوان، آن بخش از فرهنگ جامعه که محصول کار و تلاش ایجادگر زحمتکشان بوده، مشحون از درسهای ایثار، آفرینش، عشق به انسان و آزادیست، در زیر بارِ گران انبوهی از اوهام و خرافه به سختی نفس میکشد. فرهنگ معنوی جامعه افغانی، به ویژه در عرصه ادب، سرشار از خلاقیت‌های حیرت انگیز بدیعیست. این خلاقیتها به دلایل خاص اجتماعی و با عملکرد ویژه ایدیالوژی حاکم در عرصه آفرینش، با زنده گی مردم عجین گردیده اند. نادیده گرفتن این نیروی سحرآمیز در سمت دادن جامعه به سوی افقهای نو ترقی، در واقع کم بهادادن به مهمترین نمود خلاقیت معنوی جامعه و رهاکردن یک امکان مؤثر مبارزه ترقیخواهانه، به دست ارتجاع است. در فرهنگ ادبی افغانستان عناصر زیبا، عناصری به حق انسانی و رزم آفرین، فراوان یافته میشود. در جوار کارنامه های درخشان رزم و پایداری مردم در برابر تجاوز به حق و کرامت شان، که همواره از سوی محافل و نهادهای ضد ترقی، تحریف و تخطئه شده یا با توطئه سکوت برگزار گردیده اند، در عرفانی که از سوی نهادهای حاکم به زندان خانقاهها کشانده شده است، نیز جوهری از آدمیت، مقاومت در برابر اجحاف، تحقیر ریا و چاکرمنشی و ستایش آزاده گی موج میزند. آگاهی جامعه از جوهر فکری سخنورانش، احساس خودکمبینی جمعی را که مایه گرانی برای عصبیتهای سنتی به شمار میرود، زایل میسازد و بر خصومت قومی و اختلافات زبانی و برتری جویی نژادی خط بطلان میکشد. اشاعه این گونه عناصر فرهنگی، کار جهالت پیشه گان جامعه نیست. بردن این بار، وجیبه فرهنگی افراد و نیروهای بیست که در پای عهدنامه روشنگری، انگشت تعهد گذاشته اند. نهضت آینده افغانستان در راه اشاعه فرهنگ پُربار کشور با پیگیری تلاش میکند.

گسترش شبکه رسانه های گروهی مبتذل و سطحی و «نمایش شکلی دموکراسی» وابسته به آن، خطر جدی تداوم انحطاط فرهنگی را در خود دارد. شیوع تلویزیونها،

رادیوها و نشرات وابسته به قدرتهای خارج و احزاب و سازمانهای ارتجاعی، از یک سو تظاهر یک دموکراسی کذاییست و از سوی دیگر وسیله بیست برای تداوم سیادت ارتجاع و امپریالیزم. ایجاد مطبوعات واقعاً دموکراتیک و مردمی به ضرورت عاجل جنبش مترقی کشور مبدل گردیده است. نهضت آینده افغانستان در این راه تلاش کرده، زمینه های همکاری با دیگر نیروهای چپ و مترقی را برای ایجاد وسایل لازم اطلاعاتی به سود ترقی و دموکراسی، جستجو میکند.

محو بیسوادی و تضمین تحصیلات عالی برای تمام جوانان کشور، مطابق نورمهای علمی قبول شده در سطح جهان، پیش شرطهای انکشاف فرهنگ دموکراتیک و مترقی و انکشاف اجتماعیست. نهضت آینده افغانستان در این راه مبارزه میکند.

نهضت آینده افغانستان متکی بر واقعیتهای عینی جامعه افغانی، با در نظر داشت واقعیت اتنیک و وضعیت سیاسی کشور و استفاده از تجارب دیگر کشورها، اصول زیر را در رابطه با مسایل ملی افغانستان مطرح مینماید:

- استقلال فرهنگی حق طبیعی خلقهاست. جلوگیری از تبارز این حق یا سرکوب آن زیر هر عنوانی که باشد یک برخورد ضد بشری، جابرانه و مغایر حقوق بشر است.

- اقوام و ملیتهای با هم برادر ساکن در افغانستان، حق دارند به رشد آزادانه فرهنگ، زبان و دیگر ویژه گیهای هویتی خود بپردازند.

نهضت آینده افغانستان در راه پیوندیابی فرهنگهای مترقی جامعه افغانی با فرهنگهای پیشرو جهانی تلاش خواهد کرد. جهانی ساختن فرهنگ دموکراتیک در برابر جهانی شدن فرهنگ عقبگرایانه سرمایه داری، جزئی از وظایف نیروهای چپ افغانیست. نهضت آینده افغانستان با پیگیری در این راه میرزمد.

۵- در عرصه مناسبات بین المللی

نهضت آینده افغانستان به این باور است که عقبزدن مواضع امپریالیزم و مواضع سیاسی-ایدیالوژیک ارتجاع جهانی تنها در چوکات اتحاد و همبسته گی بین المللی خلقها و نیروهای پیشتاز سیاسی-اجتماعی آنها ممکن است. نهضت آینده افغانستان همبسته گی زحمتکشان جهان را یگانه ضامن مقاومت در برابر روند ویرانگرانه جهانی

شدن سرمایه و تاخت و تازهای امپریالیزم انگاشته، دفاع از منافع زحمتشکان جهان را اصل زرین و خدشه ناپذیر سیاست بین المللی خود تلقی میکند.

نهضت آینده افغانستان از مبارزات برحق نیروها، احزاب و نهادهای چپ و دموکراتیک ترقیخواه برای صلح، آزادی، دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی همه جانبه دفاع میکند.

نهضت آینده افغانستان معتقد است که شکل زحمتکشان و سازمانهای سیاسی- اجتماعی آنان در یک اتحادیه جهانی جدید متشکل از تمام جریانهای چپ و دموکراتیک از یک سو مبارزات خلقها را علیه سلطه مطلق سرمایه داری مؤثرتر خواهد ساخت و از سوی دیگر نیروهای صلحخواه را برای مقاومت عیله اقدامات جنگ افروزانه امپریالیزم بسیج خواهد کرد. نهضت آینده افغانستان سهم شایسته خود را در امر تکوین این اتحادیه ایفا خواهد کرد. نهضت آینده افغانستان بر آن است که وجود چنین همبسته گی خلاق با استقلال سیاسی، اندیشه یی و سازمانی اعضای متشکله اتحادیه نامبرده مغایرت ندارد. «نهضت آینده افغانستان» جانبدار جدی استقلال خود بوده در اتحادیه های بین المللی با حفظ هویت و ساختار خود شرکت خواهد کرد.

نهضت آینده افغانستان از جنبشهای کارگری، جنبشهای ضد جنگ و خشونت، جنبشهای زنان، طرفداران محیط زیست و سایر جنبشهای دموکراتیک و عدالتخواهانه حمایت نموده در همایشهای آن ها شرکت میورزد.

نهضت آینده افغانستان به خاطر تحقق عملی ارزشهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاقها و کنوانسیونهای بین المللی که افغانستان به آن ها الحاق خود را اعلام نموده است، مبارزه نموده، مظاهر تخلفها و نقض این ارزشها را افشا میکند.

نهضت آینده افغانستان خواهان آن است تا مسایل مورد اختلاف و مناقشات میان کشورهای همسایه، منطقه و جهان از طریق سیاسی و صلح آمیز و بدون استعمال قوت نظامی حل و فصل گردند.

نهضت آینده افغانستان طرفدار جدی صلح جهانی و منطقه یی و مخالف جنگ و خشونت بوده، از مساعی که به خاطر تأمین صلح و امنیت به عمل می آید پشتیبانی و حمایت نموده، همبسته گی خویش را با جنبشهای ضد جنگ ابراز داشته و در آن ها فعالانه شرکت میورزد.

نیرومندی و نفوذ ارتجاع قرون وسطایی در افغانستان و کشورهای همجوار آن به گونه بیست که بدون پشتیبانی خلقهای منطقه و بدون داشتن یک اتحادیه منطقه‌یی نیروهای مترقی و دموکرات نمیتوان تحولات را در یکی از کشورهای نامبرده به طور قطعی و برگشت ناپذیر به سر رساند. نهضت آینده افغانستان در چوکات همبسته گی جهانی زحمتکشان در راه ایجاد یک اتحادیه نیرومند منطقه‌یی متشکل از احزاب و سازمانهای مترقی و دموکراتیک تلاش میکند.

نهضت آینده افغانستان عقیده دارد که همکاری فعال بین نیروهای دموکراتیک و چپ منطقه در مبارزه علیه افراط گرایی، خشونت و تروریزم، به تأمین صلح پایدار، ثبات و دموکراسی در منطقه کمک میکند.

اوضاع نا به سامان جهان وظایف بزرگی را برای نجات بشر از تباهی در برابر تمام خلقها قرار داده است. مردم افغانستان که از رنج‌دیده ترین خلقهای دنیای معاصر است جداً خواهان سهمگیری شایسته در امر ایجاد یک نظم جدید عادلانه بین المللی مبتنی بر صلح، انکشاف کشورها و رفع فقر و عقبمانده گیست. نیروهای مترقی و دموکراتیک افغانی وظیفه دارند تا مطالبات برحق خلقهای افغانستان را در سطح جهانی انعکاس دهند و مواضع عمیقاً بشر خواهانه و صلحجویانه آن ها را که در مغایرت کامل با مواضع افراطیون قرار دارند، تبارز دهند.

چهارم - راهها، اشکال مبارزه و وسایل مبارزه

نهضت آینده افغانستان فعالیت‌های خود را در عرصه های گوناگون بر بنیاد چشم انداز استراتژی یک تحول بنیادی اجتماعی سمتهی میکند. نهضت آینده افغانستان وقوف کامل دارد که تحقق هدف نهایی یعنی رهایی جامعه افغانی از استثمار و استبداد، مبارزات دامنه دار و همه جانبه را خواهان است. «نهضت آینده افغانستان» از رفورم‌هایی حمایت میکند که در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمینه های وسیع بهشد زنده گی مردم و اعتلای جنبش چپ دموکراتیک را فراهم میکنند و فاصله گذار به یک نظام عالیتر اجتماعی - اقتصادی را کوتاه تر میسازند. نهضت آینده افغانستان با «انقلابیگری ماجراجویانه» و سوژکتویزم بیگانه است.

نهضت آینده افغانستان بر آن است که خشونت اجتماعی - سیاسی یکی از اشکال افاده خشونت اقتصادیست! قیامهای مردمی و مقاومت‌های مسلحانه توده‌ها و نیروهای تحول طلب، در طول تاریخ عکس‌العمل‌های مقطعی و گذرا در برابر خشونت دایمی فرادستان مستبد بوده‌اند. «نهضت آینده افغانستان» پیوسته ترجیح میدهد تا مطالبات زحمتشکان افغانستان از راههای مسالمت آمیز، با تکیه بر نیروی کتله‌های وسیع انسانی، به سر برسند.

نهضت آینده افغانستان بیدارساختن زحمتکشانشان و بسیج آنان را راه تاریخی برای تحقق اهداف استراتژیک خود پنداشته، ایجاد سازمانهای مترقی اجتماعی و صنفی را به منظور شرکت دادن اقشار وسیع مردم در روندهای سیاسی و حرکت‌های مطالباتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترغیب میکند.

نهضت در هر مقطع از حرکت خود به سوی دستیابی به اهداف دورنمایی، با در نظر داشت اوضاع مشخص جامعه و چگونه‌گی تناسب قوا، برنامه‌های مشخص و عملی را در مطابقت با روحیه و متن این مرامنامه تدوین کرده، برای تحقق آن‌ها مبارزه میکند.

نهضت آینده افغانستان ایتلافها، اتحادها و بلوکهای سیاسی را با دیگر نیروهای تحول طلب و مترقی وسیله مهمی در جهت تحقق اهداف خود پنداشته، پیوسته در راه همبسته‌گی این نیروها مبارزه میکند.

* * *

www.ayenda.org